

مدیریت سالم منابع مالی از منظر نهج البلاغه

احمد هاشمی^{۱*}

چکیده

مدیریت مالی با آنکه از گرایش‌های جدید رشته مدیریت محسوب می‌شود، اختصاص به اقتصاد مدرن ندارد. هر تلاشی که در راستای تأمین مالی و نیز تخصیص بهینه آن صورت گیرد، در راستای این رشته می‌تواند مورد تحقیق قرار گیرد. مفاهیم و عناصر جدید از قبیل شرکت‌ها و مؤسسات مالی، ردیف‌های بودجه و نیز اصول حسابداری و... نشان از پیچیدگی این فعالیت‌ها دارند، با این حال سیره و کلام امام علی (ع) در تأمین و تخصیص منابع مالی می‌تواند پاسخگوی بسیاری از مشکلات ما در رفتارهای کوتاه‌مدت و بلندمدت مدیریت مالی باشد؛ مشکلاتی در سطح فردی و کلان که به‌نوعی ریشه در عدم تدبیر و مدیریت منابع و امکانات دارد. هر یک از بخشهای نهج البلاغه نیز به که اخلاق کارگزاران و عدالت اقتصادی پرداخته است، از لحاظ مدیریت منابع مالی و منابع انسانی، مطالب فراوانی برای بهره‌گیری و اجرا در این خصوص دارد. بهره‌گیری از این اصول در حالی بیشتر ضرورت می‌یابد که مشکلاتی که در سطح فردی و کلان جوامع امروزی دیده می‌شود بیش

* . دانشجوی دکترای تفسیر تطبیقی پژوهشکده نهج البلاغه؛ mirahmad14@gmail.com

از آنکه معلول کمبود منابع مختلف باشد، به نوعی ریشه در نوع مدیریت منابع و امکانات دارد. نظارت صحیح و بازرسی مستمر و جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی در هر سطحی به همراه حذف هزینه‌های جاری غیرضرور، از جمله راهکارهای عملی مستند به کلام و سیره امام علی (ع) می‌باشد که در این نوشتار بدانها پرداخته خواهد شد.

کلیدواژگان: مدیریت منابع مالی، آسیب‌های اقتصادی، رفاه اجتماعی، مشارکت

عمومی، نهج البلاغه

مقدمه

مدیریت مالی، مدیریت اثربخش و کارآی وجوه یا منابع مالی به منظور دستیابی به اهداف سازمان است. مدیریت مالی دربرگیرنده چگونگی افزایش سرمایه (تأمین مالی) و نحوه تخصیص آن است و تنها مختص بودجه‌بندی منابع بلندمدت نیست، بلکه منابع کوتاه‌مدت مانند دارایی‌های جاری را نیز در برمی‌گیرد.

از جمله عوامل مؤثر در رشد و توسعه اقتصادی، بهره‌گیری از مدیریت منابع مالی مطلوب در کنار مدیریت منابع دیگر از جمله منابع انسانی است. این مدیریت در نظام اقتصاد اسلامی مبتنی بر مبانی و مؤلفه‌هایی است که در سیره و کلام امیرمومنان علی (ع) در ابعاد وسیع اقتصادی-اجتماعی نمود یافته است. نوشتار حاضر در پی آن است که با رویکرد تطبیقی نشان دهد پیاده‌سازی صحیح نظام اقتصادی اسلام در ابعاد وسیع آن با بهره‌گیری از الگوی اجرایی امیرالمؤمنین (ع) قابلیت اجرا در عصر حاضر را نیز دارد.

در زمینه تولید ثروت، تأمین منابع مالی از طریق دریافت حقوق مالی واجب (زکات، خمس، انفال، جزیه، خراج) و کمک به آبادی و عمران شهرها از طریق اصلاح نظام مالیاتی؛ در زمینه توزیع درآمد، تقسیم عادلانه بیت‌المال و توجه به حال طبقات مختلف اجتماعی

(لشکریان خدا، کاتبان عمومی و خصوصی، قضات، کارگزاران عدل و نظم اجتماعی، جزیه دهندگان، پرداخت کنندگان مالیات، تجار و بازرگانان ۳۰، صاحبان صنایع و پیشه‌وران و نیز نیازمندان و مستمندان) که برای هر یک خداوند سهمی مقرر داشته و مقدار واجب آن را در قرآن و سنت پیامبر (ص) تعیین کرده که پیمانی از طرف خداست و اجرای آن بر ما واجب است؛ در زمینه مصرف، جلوگیری از اتراف (فرو رفتن در مشتتهیات نفس از راه حرام) و اسراف (فرو رفتن در مشتتهیات نفس از راه حلال) و هرگونه سوءاستفاده با نظارت بر شرایط کسانی که بیت‌المال تحت نظر آنها اداره می‌شود و دقت در حفظ بیت‌المال و ... با بررسی جامع نهج البلاغه می‌توان دریافت که این سه حوزه پیش‌گفته شده در اقتصاد، به همراه مدیریت منابع انسانی (نظارت بر رفتار کارگزاران) می‌تواند نظام هماهنگ واگوی کارآمدی را در عرصه‌های اقتصادی برای ما به ارمغان آورد.

اقتصاد سالم و پویا در مکتب امام علی (ع) از بایدها و نبایدهایی تشکیل شده که با شناخت و برنامه‌ریزی درست از یکسو و اجرای صحیح همراه با نظارت از سوی دیگر، می‌توان شاهد رشد و شکوفایی اقتصادی و عمران و آبادی شهرها بود. پرداختن به امور اقتصادی و کسب درآمد، برای رفاه و آسایش و امنیت روانی تمام افراد جامعه و گروه‌های مختلف است (که در نامه ایشان به مالک اشتر به طیفی از آن‌ها اشاره شده است) نه برای بهره‌مندی بی حد و حصر طبقه خاصی از جامعه که در طول تاریخ رایج بوده است. از دیدگاه امام (ع) آسیب‌های اقتصادی که بخشی از جامعه را تحت‌الشعاع قرار داده و به

30. مفهوم تجارت در کلام امام علی (ع) به معنی خاص بازرگانی نیست و می‌توان گفت مفهوم عام دارد که شامل تولید نیز می‌شود؛ چنانکه در سفارش امام (ع) می‌خوانیم: «ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالتَّجَارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ، وَ اءَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا: الْمُقِيمِ مِنْهُمْ وَ الْمُضْطَّرِّ بِمَالِهِ؛ سپس سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع ببذیر و آنها را به نیکوکاری سفارش کن؛ بازرگانانی که در شهر ساکنند یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می‌باشند». می‌توان گفت عبارت «صاحبان سرمایه» در کنار «تجار» توضیح یا جزئی از این مفهوم کلی است.

محرومیت آنان می‌افزاید و هر آنچه اختلاف طبقاتی را شدت بخشیده و به اتحاد و انسجام جامعه مسلمین آسیب می‌رساند، باید با عزم همگانی از جامعه حذف گردد.

امام (ع) خطاب به عبدالله بن زمعنه، از پیروان و یاران خویش، وقتی از ایشان درخواست کمک می‌کند در روشن‌سازی ماهیت بیت‌المال می‌فرماید: بیت‌المال نه مال شخصی امام است و نه مال فردی از مسلمانان، بلکه متعلق به همه مسلمانان است که در اختیار امام مسلمانان گذاشته می‌شود تا به عدل، به مصرف ایشان برساند. حضرت (ع) می‌فرماید: این اموالی که می‌بینی نه مال من و نه از آن توست، غنیمتی گردآمده از مسلمانان است که با شمشیرهای خود به دست آورده‌اند. اگر تو در جهاد همراهشان بودی، سهمی چونان سهم آنان داشتی، و گرنه دسترنج آنان خوراک دیگران نخواهد بود (نهج البلاغه، خطبه 232).

راهکارهای عملی در سیره امام علی (ع)

مشکلاتی که در سطح فردی و کلان جوامع امروز دیده می‌شود بیش از آنکه معلول کمبود منابع مختلف باشد، به‌نوعی ریشه در عدم تدبیر و مدیریت بهینه منابع و امکانات دارد؛ چنانکه در کلامی از امام علی (ع) به‌صورت یک اصل کلی به آن اشاره شده است: «عن سعید بن علقمه قال: سمعت امیرالمؤمنین علی بن ابیطالب (ع) يقول ... و ترک التقدير فی المعيشه یورث الفقر؛ عدم برنامه‌ریزی در زندگی موجبات فقر را فراهم می‌آورد» (بروجردی، 71 / 22).

در مقابل، مدیریت بهینه با کاستن از هزینه‌های غیرضروری و حذف استفاده‌های نادرست، باعث رشد ثروت افراد و جامعه خواهد شد: «حسن التدبیر یمنی قلیل المال و سوء التدبیر یفنی کثیره؛ برنامه‌ریزی صحیح اقتصادی مال اندک را افزایش می‌دهد و برنامه‌ریزی غلط مال فراوان را نابود می‌کند» (حکیمی، 1387: 4 / 440).

بحث توزیع درآمد و مدیریت تخصیص منابع در سه سطح مختلف و مکمل قابل

بررسی است:

الف) توزیع درآمد از طریق توزیع منابع اولیه تولید
 ب) توزیع درآمد حاصل از کالاهای تولیدشده و توزیع درآمد حاصل از تجارت (بخش خدمات)
 ج) توزیع درآمدهای دولت اسلامی (شامل توزیع مجدد درآمد حاصل از مالیات و توزیع درآمد حاصل از فعالیت‌های اقتصادی دولت)
 توضیح اینکه یکی از اهداف مهم در توسعه انسانی از دیدگاه اسلام (در بعد اقتصادی آن)، تمرکز بر بهبود سطح زندگی پایین‌ترین گروه درآمدی جامعه و رساندن آن به سطح زندگی متعارف جامعه است و لازمه آن شناخت بهتر عواملی است که سطح درآمدها و نرخ‌های نسبی رشد را در داخل گروه‌های مختلف درآمدی تعیین می‌کنند.
 از سوی دیگر، مدیریت مالی و تخصیص منابع در دو سطح خرد و کلان قابل بررسی است:
 الف) سطح خرد؛ مؤسسات مالی و سرمایه‌گذاری
 ب) سطح کلان؛ بودجه‌بندی در سطح ملی (درآمدها و هزینه‌های دولت)
 راهکارهای عملی و قابل استناد به روش حکومتی امیرالمؤمنین (ع) با تأکید بر نهج البلاغه بیشتر ناظر بر بخش دوم است. با این حال این مسائل در بخش مؤسسات مالی و شرکتهای سرمایه‌گذاری نیز قابل اجراست.

1- تأمین رفاه عمومی و اجتماعی

وظیفه دولت اسلامی، برنامه‌ریزی در جهت حرکت جامعه به سمت اهداف و آرمان‌های مورد نظر در همه ابعاد از جمله اقتصاد است. بنابراین بین مردم و دولت پیوندهای گوناگون شکل می‌گیرد. این پیوندها و روابط اقتصادی بیشتر در بخش درآمدها و هزینه‌های دولت و نیز وظایف و اختیارات دولت در برابر مردم و همچنین وظایف مردم در برابر دولت سامان می‌یابد (یوسفی، 1381: 317).

در بحث قوانین و نیز سیاست‌گذاری‌های کلی نظام (سیاسی، اجتماعی و اقتصادی)، سلسله مراتب مختلفی از اولویت‌ها وجود دارند که پرداختن به این مباحث کلان نباید باعث غفلت از امور به‌ظاهر جزئی‌تر گردد؛ چنانکه امیر مؤمنان (ع) در عهدنامه مالک اشتر می‌فرماید: هرگز غرور و سرمستی زمامداری، تو را به خود مشغول نسازد (و از رسیدگی به کار آن‌ها بازندارد)؛ زیرا هرگز به بهانه کارهای فراوان و مهمی که انجام می‌دهی از ترک خدمات کوچک معذور نیستی.

«وَمِنْهُ حَدِيثُ ابْنِ مَسْعُودٍ رَضِيَ اللَّهُ عَنْهُ يَصِفُ الْقُرْآنَ «لَا يَتَفَهُ وَلَا يَتَشَانُ» هُوَ مِنَ الشَّيْءِ النَّافِيهِ الْحَقِيرِ. يُقَالُ تَفَهُ يَتَفَهُ فَهُوَ تَافِهٌ. وَمِنْهُ الْحَدِيثُ «كَانَتِ الْيَدُ لَا تَقْطَعُ فِي الشَّيْءِ النَّافِيهِ» وَقَدْ تَكَرَّرَ فِي الْحَدِيثِ» (ابن اثیر، 1399ق: 1/192). در مقام مدیریت، مقصود امام (ع) از کلمه «التأفاه» امور ناچیز و کمترین حالات مردم ضعیف است. امور بزرگ مهم نباید باعث غفلت از توجه به امور خرد و کوچک شود و بگوییم مهمتر را انجام دادیم و آنچه بدان نپرداختیم، غیرمهم بوده است.

«فهذه النصوص تقرّر بكلّ وضوح مبدأ الضمان الاجتماعي، و تشرح المسؤولية المباشرة للدولة في إعالة الفرد و توفير حدّ الكفاية له. هذا هو مبدأ الضمان الاجتماعي، الذي تعتبر الدولة مسئولة بصورة مباشرة عن تطبيقه، و ممارسته في المجتمع الإسلامي» (صدر، 1429ق: 1/779).

اختصاص هزینه‌های مناسب برای اموری که به‌ظاهر افراد کمتری با آن مواجه هستند و یا مسائل کم‌رنج‌تری در کنار مسائل اقتصاد کلان به نظر می‌رسند، به نوبه خود از هزینه‌های آتی در بخش‌های مختلف اجتماعی و فرهنگی خواهد کاست. تمام کسانی که زیر خط فقر هستند در این تخصیص، دارای اولویت‌هایی هستند، اما نه به‌لحاظ شخصی بلکه به‌لحاظ مصالحی که برای همه جامعه است و فقر آنها امنیت اجتماعی را به خطر می‌اندازد. همه امور ایشان باید مورد نظر باشد از کوچک تا بزرگ و ای‌بسا تضییع کار

کوچکی سبب مصائب بزرگی شود و یا لاقلاً مایه شکستن قلب آنها گردد. این احتمال نیز در تفسیر جمله بالا داده شده که مفهوم کلام امام (ع) این است که اشتغال به کارهای مهم جامعه اسلامی نمی‌تواند عذری برای ترک رسیدگی به کارهای فقرا و حاجتمندان باشد؛ ولی این تفسیر با توجه به جمله «بِتَضْيِيعِكَ التَّائِفَةِ» بعید به نظر می‌رسد؛ زیرا امام (ع) هرگز رسیدگی به حال نیازمندان را «تائفه» (کوچک و بی‌ارزش) نمی‌شمرد (مکارم شیرازی، 1386: 11/64).

تخصیص بهینه منابع درآمدی دولت، بهره‌مندی این گروه را از مسائل مختلف اجتماعی هموار می‌سازد. در این میان نباید هیچ تفاوتی بین هیچ یک از افراد در مناطق و سطوح مختلف جامعه باشد؛ چنانکه امام (ع) می‌فرماید: «بخشی از بیت‌المال و بخشی از غله‌های زمین‌های غنیمی را در هر شهری، به طبقات پایین اختصاص ده. زیرا برای دورترین مسلمانان همانند نزدیک‌ترین آنان سهمی مساوی وجود دارد و تو مسئول رعایت آن هستی» (نهج البلاغه، نامه 53). بدیهی است که این نیازها فقط مربوط به هزینه‌های خوراک و پوشاک نیست؛ چنانکه در عصر حاضر بسیاری از نیازهای دارو و درمان و هزینه‌های بیمه، پررنگ‌تر شده‌اند و برآوردن آنها در حد متعارف بر عهده دولت اسلامی و کارگزاران حکومتی است؛ چنانکه امام (ع) می‌فرماید: «هر یک از تهیدستان را بر زمامدار حقی است، به‌اندازه‌ای که زندگی‌اش را سامان دهد» (محمدی ری‌شهری، 1382: 174). در این ساماندهی هم کمیت و هم کیفیت مورد نظر است. به این ترتیب تا زمانی که زندگی افراد نیازمند، سامان نیافته است، مستحق برخورداری از سهمی هستند که امام پرداخت آن را به این طبقه لازم شمرده است و تا زمانی که نیازهای ملموس و غیرملموس در زندگی این افراد مرتفع نشود باید مورد رسیدگی حکومت اسلامی قرار گیرند. عدم دسترسی افراد طبقه ضعیف نمی‌تواند دلیلی بر عدم تخصیص منابع لازم به ایشان باشد؛ چنانکه امام (ع) می‌فرماید: «همواره در فکر مشکلات آنان باش و از آنان روی

برمگردان، به‌ویژه امور کسانی را از آنان بیشتر رسیدگی کن که از کوچکی به چشم نمی‌آیند و دیگران آنان را کوچک می‌شمارند و کمتر به تو دسترسی دارند. برای این گروه، از افراد مورد اطمینان خود که خداترس و فروتن‌اند، فردی را انتخاب کن تا پیرامونشان تحقیق کند و مسائل آنان را به تو گزارش دهد» (نهج البلاغه، نامه 53).

امام (ع) محل تأمین منابع مالی جهت رسیدگی به این نیازها را بیت‌المال معرفی می‌کند. این تخصیص و مدیریت مالی، لزوم کنترل هزینه‌های جاری در سایر بخش‌ها را می‌طلبد و یادآوری می‌کند که این خدمت‌رسانی باید به‌عنوان یک وظیفه غیرقابل تغییر در نظر گرفته شود؛ چنانکه می‌فرماید: «در رفع مشکلاتشان به‌گونه‌ای عمل کن که در پیشگاه خدا عذری داشته باشی، زیرا این گروه در میان رعیت بیشتر از دیگران به عدالت نیازمندند و حق آنان را به‌گونه‌ای بپرداز که نزد خدا معذور باشی، از یتیمان خردسال و پیران سالخورده که راه چاره‌ای ندارند و دست نیاز بر نمی‌دارند، پیوسته دلجویی کن که مسئولیت سنگینی بر دوش زمامداران است» (دشتی، 1385: 583). خدمت به گروه‌هایی غیر از اینان به جهت خدماتی که انجام می‌دهند، آسان است. اما بدون خدمت متقابل باید برای نیازمندان کار کرد و به آنان خدمت رساند، بی‌آنکه انتظار خدمتی از سوی آنان باشد (مکارم شیرازی، 1386: 69). با این حال، نقش این گروه از افراد در جامعه نباید نادیده گرفته شود. هریک از گروه‌های اجتماعی به نوبه خود و در مواقع لزوم می‌توانند در برآوردن نیازهای مختلف و کاستن مشکلات موجود نقش داشته باشند. چه‌بسا کارها پیش آید که اگر رفع مشکل را بر عهده آنها گذارند، به خوش‌دلی به انجامش رسانند؛ چراکه چون بلاد آباد گردد، هر چه بر عهده مردمش نهی، انجام دهند که ویرانی زمین را تنگدستی مردم آن سبب شود و مردم زمانی تنگدست گردند که همت والیان، همه گردآوردن مال بود و به ماندن خود بر سرکار اطمینان نداشته باشند و از آنچه مایه عبرت است، سود برنگیرند (آیتی، 1378: 735).

2. تخصیص صحیح منابع مالی و رشد ثروت در جامعه

حکومت اسلامی موظف است با مطالعه شرایط عینی و منابع و امکانات موجود اقتصادی در حدود مقررات کلی، سیاست اقتصادی مناسب را تنظیم نماید؛ چراکه ماهیت مشکلات و مسائل، در مکان‌ها و زمان‌های مختلف، متفاوت است. بنابراین، وظیفه مکتب اقتصادی، تعیین اهداف کلی توسعه و اتخاذ استراتژی مناسب در سطح کلان جامعه است، لیکن تعیین جزئیات سیاست اقتصادی به طوری که با اوضاع و احوال روز مناسب باشد و نیز مسؤلیت اجرای آن، با مقامات دولتی است. تأمین منابع مالی مورد نیاز بیت‌المال با وجود اهمیت وافر که برای مسئولین کشور دارد، نباید بر رشد و توسعه کشور تأثیر منفی گذارد. این منابع برای تخصیص هزینه‌های جاری و عمرانی نقش حیاتی دارد، با این حال با در نظر گرفتن معافیت‌های مالیاتی و تخفیفات مشابه که در عصر حاضر رواج دارند می‌توان به رشد درآمدهای حاصل از تولید مجدد امیدوار بود. کلام امام علی(ع) ضمن تشریح این رابطه، اطمینان‌خاطری است برای نهادهایی که با امر تأمین بودجه و نیز تخصیص آن سر و کار دارند. ایشان می‌فرماید: «باید تلاش تو در آبادانی زمین، بیش از جمع‌آوری خراج باشد. خراج جز با آبادانی فراهم نمی‌گردد و آن کس که بخواهد خراج را بدون آبادانی مزارع به دست آورد، شهرها را خراب و بندگان خدا را نابود کند و حکومتش جز اندک مدتی دوام نیاورد ... زیرا عمران و آبادی قدرت تحمل مردم را زیاد می‌کند. همانا ویرانی زمین به خاطر تنگ‌دستی کشاورزان است و تنگ‌دستی کشاورزان به خاطر غارت اموال از طرف زمامدارانی است که به آینده حکومتشان اعتماد ندارند و از تاریخ گذشتگان عبرت نمی‌گیرند» (نهج البلاغه، نامه 53).

2-1 انجام فعالیت‌های اقتصادی متناسب از طریق ارزیابی و مشاوره

امروزه شرکت‌ها و مؤسسات مالی در سطح ملی و فراملی، مسائل مالی خود را به پشتیبانی مؤسسات ارزیابی و اعتبارسنجی و شرکت‌های مشاوره‌ای انجام می‌دهند؛ برای مثال در خصوص اوراق بهادار منتشر شده توسط شرکت‌های تولیدی یا خدماتی،

سرمایه‌گذاران به منظور کسب اطلاعات کامل‌تر در مورد سرمایه‌گذاری‌های خود و همچنین ریسکی که متحمل می‌شوند از رتبه‌بندی‌های اعتباری استفاده می‌کنند. بر این اساس، در مورد طرح‌های ملی، لزوم مشورت در نوع و اجرای فعالیت‌های اقتصادی امری بدیهی می‌نماید. با این حال در مواردی، طرح‌های بلندمدتی به اجرا گذاشته می‌شوند که با روی کارآمدن دولتهای جدید، معایب بیشماری در نوع اجرا و یا خود طرح آشکار می‌گردد. در کلام امام علی (ع) می‌توان راهکار مناسبی برای این مشکلات جستجو کرد؛ چنانکه می‌فرماید: «مَنْ اسْتَقْبَلَ وَجُوهَ الْأَرَاءِ عَرَفَ مَوَاقِعَ الْخَطَا؛ کسی که از آراء مختلف استقبال کند (و نظرات متفاوت را بررسی نماید) موارد خطا را خواهد شناخت» (همان، خطبه 173).

سنجش آرای مختلف که از سوی افراد متفاوت (از لحاظ سنی و نیز ویژگیهای فرهنگی و اجتماعی) راه را برای حصول به انتخاب شایسته‌تر هموار می‌سازد؛ چنانکه حضرت (ع) در نامه‌ای به فرزندش محمد بن حنفیه می‌فرماید: «أَضْمُ آراءَ الرِّجَالِ بَعْضَهَا إِلَى بَعْضٍ، ثُمَّ اخْتَرِ أَقْرَبَهَا مِنَ الصَّوَابِ وَ أَبْعَدَهَا مِنَ الْإِرْتِيَابِ؛ نظر مردان (اهل فکر و خرد) را، برخی را با برخی دیگر، ضمیمه کن و سپس نزدیکترین آن‌ها را به حقیقت و دورترین آن‌ها را از شک و تردید انتخاب کن» (حر عاملی، 1414ق: 46/12). از این رو توصیه می‌شود در خصوص انواع طرحها و پروژه‌های اقتصادی، مشاوران و مسئولان از میان افرادی انتخاب شوند که در کنار تجربه کاری، از روحیه بالایی در شروع، ادامه و تکمیل کارها برخوردار باشند؛ چنانکه امام (ع) نیز اشاره می‌کند: «وَلَا تُدْخِلَنَّ فِي مَشُورَتِكَ بَخِيلًا يَعْدِلُ بِكَ عَنِ الْفَضْلِ، وَ يَعِدُكَ الْفَقْرَ؛ وَ لَا جَبَانًا يُضْعِفُكَ عَنِ الْأُمُورِ، وَ لَا حَرِيصًا يُزَيِّنُ لَكَ الشَّرَّ بِالْجَوْرِ، فَإِنَّ الْبُخْلَ وَ الْجُبْنَ وَ الْحَرِيصَ غَرَائِزُ شَتَّى يَجْمَعُهَا سُوءُ الظَّنِّ بِاللَّهِ؛ در امور خود بخیل را وارد مشورت مکن که مانع بخشش تو می‌شود و تو را از تهیدستی می‌ترساند؛ و همچنین با بزدل و ترسو که تو را در اجرای برنامه‌هایت سست می‌نماید؛ و نه با طمعکار که حرص براندوختن

و ستمگری را در نظرت می‌آراید، همانا بخل و ترس و حرص سرشتهایی جدای از همنده که جمع‌کننده آن‌ها در انسان سوءظن به خداوند است» (نهج البلاغه، نامه 53).

2-2 تسهیل فعالیت‌های مولد ثروت

مایحتاج و کالاهای مورد نیاز زندگی، بر پایه اصل معامله و تجارت مهیا می‌گردد، از این‌رو در اسلام به امر تجارت، بهاء داده شده و به ارکان آن توجه شده است. فضیل بن یسار می‌گوید: به امام صادق (ع) عرض کردم که دست از تجارت کشیده و از آن خودداری نموده‌ام. حضرت (ع) فرمود: چرا؟ مگر عاجز از تجارتي؟ همین‌طور است که اموال شما از دستتان می‌رود. نه! تجارت را رها نکنید و با تجارت از فضل خدا کمک بخواهید (حر عاملی، 1414ق: 7/12).

رشد و شکوفایی شاخه‌های اصلی اقتصاد از جمله کشاورزی، صنعت و تجارت و جریان مطلوب تهیه کالا و ارائه خدمات از دیدگاه امام علی (ع) اهمیت خاصی دارد. سیاستهای دستوری جهت رفع موانع این چرخه اقتصادی به تحریم ربا و احتکار محدود نمی‌شود و سیاستهای حمایتی را نیز شامل می‌گردد؛ چنانکه ایشان می‌فرماید: «ثُمَّ اسْتَوْصِ بِالتُّجَّارِ وَ ذَوِي الصَّنَاعَاتِ، وَ اءَوْصِ بِهِمْ خَيْرًا: الْمُقِيمِ مِنْهُمْ وَ الْمُضْطَرِّبِ بِمَالِهِ، وَ الْمُتَرْفِقِ بِبَدَنِهِ، فَإِنَّهُمْ مَوَادُّ الْمَنَافِعِ، وَ أَسْبَابُ الْمَرَافِقِ، وَ جُلَا بُهَا مِنَ الْمَبَاعِدِ وَ الْمَطَارِحِ، فِي بَرْكٍ وَ بَحْرِكٍ، وَ سَهْلِكَ وَ جَبَلِكَ، وَ حَيْثُ لَا يَلْتَمِمْ النَّاسُ لِمَوَاضِعِهَا، وَ لَا يَجْتَرُونَ عَلَيْهَا؛ سپس سفارش مرا به بازرگانان و صاحبان صنایع بپذیر و آنها را به نیکوکاری سفارش کن؛ بازرگانانی که در شهر ساکنند یا آنان که همواره در سیر و کوچ کردن می‌باشند و بازرگانانی که با نیروی جسمانی کار می‌کنند؛ چراکه آنان منابع اصلی منفعت و پدیدآورندگان وسایل زندگی و آسایش و آوردندگان وسایل زندگی از نقاط دور دست و دشوار می‌باشند، از بیابان‌ها و دریاها و

دشت‌ها و کوهستان‌ها، جاهای سختی که مردم در آن اجتماع نمی‌کنند یا برای رفتن بدانجاها شجاعت ندارند» (نهج البلاغه، نامه 53).

تعامل با بازرگانان و برخورد با انحرافات احتمالی برخی از آنها که مخل سیستم اقتصادی سالم و پویاست، در مدیریت گردش سرمایه، نقش بسزایی دارد. سیاست‌های مرتبط با مسائل مالی باید تأمین‌کننده منافع تجار نیز باشد و از فعالیت مثبت آنها نکاهد. با این حال برخورد با روحیه فزون‌خواهی که باعث حصر منابع مالی و یا کالاهای ضروری در اختیار گروه‌های خاص جامعه می‌شود با راهکارهایی که در شرع ارائه شده، قابل اجرا می‌باشد؛ چنانکه حضرت (ع) می‌فرماید: «فَإِنَّهُمْ سَلِمٌ لَّا تُخَافُ بَأْتِقَتَهُ، وَ صُلِحٌ لَّا تُخْشَى غَائِلَتُهُ وَ تَفَقَّدَ أُمُورَهُمْ بِحَضْرَتِكَ وَ فِي حَوَاشِي بِلَادِكَ. وَ أَعْلَمَ مَعَ ذَلِكَ أَنَّ فِي كَثِيرٍ مِنْهُمْ ضَيْقًا فَاحِشًا، وَ شُحًّا قَبِيحًا، وَ احْتِكَارًا لِلْمَنَافِعِ، وَ تَحَكُّمًا فِي الْبِيَاعَاتِ، وَ ذَلِكَ بَابٌ مَضْرُوبٌ لِلْعَامَّةِ، وَ عَيْبٌ عَلَى الْوُلَاةِ. فَامْنَعْ مِنَ الْاِحْتِكَارِ، فَإِنَّ رَسُولَ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ مَنَعَ مِنْهُ؛ بازرگانان مردمی آرامند و از ستیزه‌جویی آنان ترسی وجود نخواهد داشت. مردمی صلح‌طلبند که فتنه-انگیزی ندارند، در کار آنها بی‌اندیش چه در شهری باشند که تو به سر می‌بری یا در شهرهای دیگر، با توجه به آنچه که تذکر دادم. این را هم بدان که در میان بازرگانان، هستند کسانی که تنگ‌نظر و بدمعامله و بخیل و احتکارکننده‌اند، که تنها با زورگویی به سود خود می‌اندیشند و کالا را به هر قیمتی که می‌خواهند می‌فروشند، که این سودجویی و گرانفروشی برای همه افراد جامعه زیانبار و عیب بزرگی بر زمامدار است. پس از احتکار کالا جلوگیری کن، که رسول خدا (ص) از آن جلوگیری می‌کرد» (نهج البلاغه، نامه 53).

نظارت دائمی و موعظهٔ همیشگی در بازار، سبب خواهد شد نه تنها آثار سوء این خصلت‌ها، تضعیف شده و امکان ظهور و بروز نیابد، بلکه زمینهٔ از بین رفتن آن فراهم گردد. علاوه بر این، با تمام خطرات و ریسک‌هایی که امر تجارت با خود به همراه دارد، مسلمین وظیفه دارند امورات مختلف اقتصادی خود از جمله تهیه کالاهای ضروری را در

صورت عدم تأمین از طریق صنعت و کشاورزی، از نقاط مختلف بر عهده گیرند؛ حضرت (ع) می‌فرماید: «به تجارت پردازید، زیرا شما را از مردم بی‌نیاز می‌کند. همانا خداوند عزوجل شاغل امین را دوست دارد، مغبون، پسندیده نیست و پاداش نمی‌گیرد» (حرعاملی، 1414ق: 12/4).

2-3 بسترسازی در جهت مشارکت عمومی

فعالیتها و طرحهای اقتصادی نیازمند حمایت، ارزیابی و نظارت مستمر حکومت است. به انجام رسیدن طرحهای ملی و منطقه‌ای بسته به ابعاد طرح و حجم کارهای لازم، به این سه عامل نیازمند است. با این حال، این حمایت‌ها همیشه از طریق تأمین اعتبار هنگفت و ورود مستقیم بخش دولتی به تمام طرحها امکانپذیر نمی‌نماید. مشاوره، حمایت‌های نظارتی و ارزیابی‌های لازم راه را برای ورود بخشهایی غیر از نهادهای حکومتی از جمله بخش‌های تعاونی و خصوصی هموار می‌سازد. این راهکار در کلام امام (ع) با تشویق و حمایت فکری و تشریح مسأله، قابل پیگیری است: «گروهی از مردم منطقات نزد من آمده و گفته‌اند راه آبی دارند که کهنه و خراب شده است و اگر آن را حفر کنند و [آب را از دل خاک] بیرون بکشند، سرزمین آنان آباد می‌شود و بر پرداخت مالیات، توانایی می‌یابند و درآمد بیت‌المال را فزونی می‌بخشند و از من خواسته‌اند که به تو نامه بنویسم تا آنان را به آن کار گیری و برای گندن آن، گردشان بیاوری و هزینه کنی و من نمی‌خواهم که هیچ کس را بر کاری که ناخوش می‌دارد، مجبور کنم. پس ایشان را به‌سوی خود، فرا بخوان. اگر راه آب، همان‌گونه است که می‌گویند، به هر کس دوست دارد در آن کار کند، فرمان ده به کار پردازد و جوی آب برای کسانی است که در آن کار می‌کنند، نه کسانی که [کار کردن در] آن را خوش ندارند، و اگر آباد کنند و توانمند شوند، نزد من محبوبتر است تا ناتوان بمانند» (بلاذری، 1417ق: 162/2).

در راستای تلاش برای رفاه عمومی و توسعه همگون مناطق مختلف شهری و روستایی، بسترسازی لازم جهت تبدیل توانمندی‌های بالقوه منطقه‌ای به مشارکت‌های فعال صورت

می‌گیرد و این امر با تمرکززدایی مالی مغایر نیست. در اجرای هر طرح که مردم در مراحل از آن مشارکت فعالانه داشته باشند، اغلب موفقیت حاصل می‌شود و از این رو مشارکت مردم به‌عنوان مهمترین عامل در موفقیت طرحها و برنامه‌ها بشمار می‌رود. افزایش مشارکت شهروندان در طرح‌های توسعه شهری تأکیدی بیشتر بر برنامه‌های هماهنگ و مشارکتی می‌باشد. در این روش برنامه‌های مردم‌محور از حالت نمایشی به حالت واقعی گرایش پیدا می‌کنند (Rajabi, ۲۰۱۱: ۱۰۲).

علاوه بر این، اهتمام به این اصل، نتایج مثبتی را به دنبال دارد که از آن جمله می‌توان به مواردی همچون کاهش محدودیت‌ها و مشکلات مدیریت منطقه‌ای، به‌خصوص مناطقی که با کمبود یا فقدان نیروی متخصص و منابع مالی مواجه‌اند، اشاره کرد؛ چراکه جلب مشارکت مردم باعث رفع بخشی از نیاز دولت به منابع انسانی، مالی و غیره می‌شود و در عین حال، منافع و منابع مالی حاصل از اجرای طرح از زمان شروع تا تکمیل طرح به خود منطقه معطوف می‌گردد.

3- مبارزه با آسیب‌های اقتصادی

بیشترین عامل کم‌توجهی مردم به مسائل حکومتی در بی‌عدالتی‌های امر قضا و نیز انواع سوءاستفاده‌های اقتصادی نهفته است که ممکن است تحت عناوین مسئولیتهای مختلف صورت گیرد. از سوی دیگر، در سطح سیاسی، فساد حاکمان می‌تواند اصول حکمرانی مطلوب را زیر سؤال ببرد و مردم را نسبت به دولت و حکومت خود بدبین سازد یا در سطح اقتصادی، بروز فساد با اشکال گوناگون خود، باعث افزایش هزینه‌ها و منحرف شدن منابع مالی به مسیرهایی می‌شود که منفعت عمومی در آنها نیست (نجف‌پور، 1393: 3).

یکی از ویژگی‌های مدیریت توانمند، به حداقل رساندن خطاها و لغزش‌هاست. از منظر امیر مؤمنان (ع) لغزش و خطای زیاد عامل مهمی در سقوط و انحراف تلقی می‌شود؛ چنانکه در خطبه 16 نهج البلاغه می‌فرماید: «أَلَا وَ إِنَّ الْخَطَايَا خَيْلٌ شُمْسٌ حُمِلَ عَلَيْهَا أَهْلُهَا

وَ خُلِعَتْ لَجْمُهَا؛ به هوش باش که خطاها بسان اسب سرکش افسار گسیخته، سوارانشان را به سوی سقوط پیش می‌برند».

به همین دلیل در مدیریت لازم است خطر ضعفها و لغزشهای بزرگ و حتی به ظاهر ناچیز و کم را مورد توجه قرار داد و سعی نمود از هرگونه لغزش و کژی اجتناب کرد؛ چنانکه حضرت (ع) می‌فرماید: «من کتاب له علیه السلام الی الاسود بن قطبه صاحب جند حلوان اما بعد، فان الوالی اذا اختلف هواه منعه ذلك كثيرا من العدل ... من الحق عليك حفظ نفسك، و الاحتساب علی الرعیه بجهدک، فان الذی یصل الیک من ذلک افضل من الذی یصل بک، و السلام؛ از نامه‌های امام (ع) به اسود بن قطبه، رئیس سپاه حلوان [از ایالات فارس]. اما بعد زمامدار اگر دنبال هوا و هوسهای پی در پی خویش باشد، غالباً او را از عدالت بازمی‌دارد. از جمله حقوقی که بر تو فرض و واجب است کنترل هوسهای خویش، مواظبت رعایا و رسیدگی توأم با تلاش به کارهای آنهاست. در این راه آنچه از منافع عاید تو می‌شود برای تو از مشکلات و ناراحتیهایی که متحمل می‌گرددی به مراتب سودمندتر است» (نهج البلاغه، نامه 59).

در کنار این امر، احتمال سوءاستفاده از منابع بیت‌المال به اشکال گوناگون همواره وجود دارد. مهم‌ترین بخش این نوع انحرافات را توجیهات عامه‌پسند تشکیل می‌دهد؛ چنانکه در دوره‌های مختلف، برخی سوءاستفاده‌ها و امتیازطلبی‌ها از طریق اخذ تأیید از افراد ذی‌نفوذ در میان مردم صورت گرفته است؛ چنانکه روایت شده روزی ابوذر با کعب الاحبار روحانی یهودی مسلمان‌نما که وزیر مشاور عثمان بود، نزد خلیفه نشسته بود. عثمان به کعب گفت: آیا برای حاکم اسلامی جایز است که مالی را در اختیار بگیرد و هر وقت توانست آن را بپردازد؟ کعب گفت: اشکالی ندارد. ابوذر گفت: ای یهودی‌زاده! تو احکام شرعی آئین ما را

به ما تعلیم می‌دهی؟! کعب از این بابت به عثمان شکوه کرد و مشاجره‌ای بین ابوذر و عثمان صورت گرفت و عثمان وی را به سرزمین شام تبعید کرد (امینی، 1354: 422/8).

1-3 شفافیت در هزینه‌ها و حقوق

گسترش جرایم مالی در میان افراد و نهادهای مرتبط با امور سازمان‌های دولتی، هزینه‌های سنگینی را برای جامعه و امنیت اقتصادی جامعه به همراه دارد. این انحرافات، بیش از هر امر دیگر مسأله عدالت و رشد و توسعه اقتصادی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. برخورد با این سوءاستفاده‌های سازمان یافته، زمانی شکل عملی خواهد داشت که نهادهای دولتی و کارگزاران حکومتی، شفافیت در امور محوله، حسابرسی دقیق و نظارت و بازرسی مستمر را ابتدا از محل فعالیت خود دستور کار قرار دهند؛ چنانکه حضرت (ع) می‌فرماید: «ثُمَّ تَفَقَّدْ أَعْمَالَهُمْ، وَ ابْعَثِ الْعُيُونَ مِنْ أَهْلِ الصِّدْقِ وَالْوَفَاءِ عَلَيْهِمْ. فَإِنَّ تَعَاهُدَكَ فِي السِّرِّ لِأُمُورِهِمْ، حَدْوَةٌ لَهُمْ عَلَى اسْتِعْمَالِ الْأَمَانَةِ وَالرِّفْقِ بِالرَّعِيَّةِ وَ تَحَفُّظُ مِنَ الْأَعْوَانِ. فَإِنَّ أَحَدًا مِنْهُمْ بَسَطَ يَدَهُ إِلَى خِيَانَةٍ، اجْتَمَعَتْ بِهَا عَلَيْهِ عِنْدَكَ أَخْبَارُ عُيُونِكَ، اِكْتَفَيْتَ بِذَلِكَ شَاهِدًا؛ فَبَسَطْتَ عَلَيْهِ الْعُقُوبَةَ فِي بَدَنِهِ، وَ أَخَذْتَهُ بِمَا أَصَابَ مِنْ عَمَلِهِ، ثُمَّ نَصَبْتَهُ بِمَقَامِ الْمَذَلَّةِ، وَ وَسَمْتَهُ بِالْخِيَانَةِ وَ قَلَدْتَهُ عَارَ التُّهْمَةِ؛ سِيسِ چگونگی کارکرد کارگزاران خود را جو یا شو و از یاران راست‌کردار و وفادار، میانشان بگمار، که بازرسی ناپیدای تو، به رعایت امانت و مدارای با مردم ناگزیرشان می‌کند. پس اگر تنی از ایشان به خیانت دست یازید و گزارش بازرسانت از راههای گوناگون چنین خبری را تأیید کرد، بی‌نیاز از گواهی گواهان، به تنبیه‌اش دست بگشا و به میزان کردار نادرستش، بازخواستش کن، سپس در جایگاه خواری بنشانش؛ داغ خیانت بر او بگذار و قلاده ننگ و بدنامی به گردنش بیاویز» (نهج البلاغه، نامه 53).

در مواقعی نیز لازم است مقامات ارشد دولتی به صورت اتفاقی و نه از پیش تعیین شده، خود به همراه افراد قابل‌اطمینان و آشنا با مسائل مالی و حقوقی، به امر بازرسی یا

حسابرسی مناطق یا سازمان‌های مختلف، اقدام کنند. چراکه پیگیری‌های موردی راه را برای سوءاستفاده‌های احتمالی یا سازمان‌یافته می‌بندد؛ چنانکه امام (ع) می‌فرماید: «أَمَّا بَعْدُ، فَاسْتَخْلِفْ عَلَى عَمَلِكَ، وَ اخْرُجْ فِي طَائِفَةٍ مِنْ أَصْحَابِكَ، حَتَّى تَمُرَّ بِأَرْضِ كُورَةَ السَّوَادِ، فَتَسْأَلُ عَنْ عُمَالِي، وَ تَنْظُرَ فِي سِيرَتِهِمْ فِيمَا بَيْنَ دَجْلَةَ وَ الْغَرِيبِ، ثُمَّ ارْجِعْ إِلَى الْبَهْقَبَادَاتِ، فَتَوَلَّ مَعُونَتَهَا، وَ اعْمَلْ بِطَاعَةِ اللَّهِ فِيمَا وَ لَاكَ مِنْهَا. وَ اعْلَمْ أَنَّ كُلَّ عَمَلٍ ابْنِ آدَمَ مَحْفُوظٌ عَلَيْهِ، مَجْزِيٌّ بِهِ؛ فَاصْنَعْ خَيْرًا - صَنَعَ اللَّهُ بِنَا وَ بِكَ خَيْرًا - وَ اعْلِمْنِي الصَّدَقَ فِيمَا صَنَعْتَ وَ السَّلَامُ؛ اما بعد، کسی را به جانشینی خویش بگمار و با گروهی از همکارانت به سوی منطقه «کوره السواد» حرکت کن و عملکرد کارگزاران را از دجله و غریب تا بهقبادات پرسش و بررسی کن و حساب و کتاب آنها را به‌طور دقیق به انجام رسان. در این مأموریت که خدا به تو سپرده، به فرمان او باش و بدان که اعمال آدمیزاد برای خودش محفوظ است و در ازای آن پاداش می‌گیرد. بنابراین، راستی و نیکی را پیشه کن - خدا با ما و شما به نیکی رفتار کند - و در مأموریتی که به انجام می‌رسانی، راستی و درستیت را به ما نشان بده. والسلام» (نهج البلاغه، نامه 53).

راهکار دیگر، تعیین میزان حقوق و مزایای متعارف و در حد قانون برای مسئولین مختلف نهادهای دولتی و غیردولتی است. ضمانت‌های اجرایی در تخصیص عادلانه این درآمدها نباید مورد غفلت قرار گیرد؛ چنانکه امام (ع) می‌فرماید: «وَ إِنْ لَكَ فِي هَذِهِ الصَّدَقَةِ نَصِيبًا مَفْرُوضًا، وَ حَقًّا مَعْلُومًا، وَ شُرَكَاءَ أَهْلِ مَسْكَنَتِهِ وَ ضِعْفَاءَ ذَوِي فَاقَةٍ، وَ إِنَّا مُؤَفُّوكَ حَقَّكَ، وَ شُرَكَاءَ أَهْلِ مَسْكَنَتِهِ وَ ضِعْفَاءَ ذَوِي فَاقَةٍ، وَ إِنَّا مُؤَفُّوكَ حَقَّكَ، يَوْمَ الْقِيَامَةِ؛ وَ بُؤْسًا لِمَنْ خَصَّمَهُ عِنْدَ اللَّهِ الْفُقَرَاءُ وَ الْمَسَاكِينُ وَ السَّائِلُونَ وَ الْمَدْفُوعُونَ وَ الْغَارِمُ وَ ابْنُ السَّبِيلِ؛ تو را در این زکات سهمی ثابت و حقی معلوم و شریکانی از مستمندان و ناتوانانی بینوا هست، ما حق تو را

به طور کامل می‌پردازیم، تو هم باید حق آنان را تمام و کمال به آنان برسانی، که اگر این کار را انجام ندهی در قیامت بیشترین دشمن را خواهی داشت؛ و بدا به حال کسی که فقرا و مساکین و سائلان و محرومان از حق و ورشکستگان و از راه ماندگان، در پیشگاه خداوند شاکی و دشمن او باشند» (همان، نامه 26).

همزمان با تلاش در جهت اجرای عدالت اقتصادی، شفاف‌سازی امور و اطلاع‌رسانی راه را برای اصلاح باورهای نادرست هموار می‌سازد. بنابراین بر متصدیان امور مملکتی لازم است که همیشه مردم را در جریان کارها قرار دهند و گزارشهای دوره‌ای یا موردی را به مردم یا نهادهای ناظر ارائه کنند؛ چنانکه امام (ع) در بخشی از نامه 53 نهج البلاغه خطاب به مالک اشتر تأکید می‌فرماید: «وَإِنْ ظَنَنْتَ الرَّعِيَّةَ بِكَ حَيْفًا فَاصْحِرْ لَهُمْ بِعُذْرِكَ، وَاعْدِلْ عَنْ ظُنُونِهِمْ بِاصْحَارٍ؛ و اگر گمان بدی در میان مردم درباره تو رفت، عذر خود را برای آنان بیان کن و مطالب را برایشان روشن نما تا بدگمانی برای کسی باقی نماند».

2-3 پرهیز از هزینه‌های غیر ضروری

در متون اسلامی به‌ویژه منابع روایی، عبارت «اقتصاد» در نقطه مقابل «اسراف» به کار رفته است. از امام جعفر صادق (ع) نقل شده که فرمودند: «رعايت اقتصاد از جمله اموری است که خداوند آن را دوست دارد و همانا اسراف را خدا دشمن می‌دارد گرچه دور انداختن هسته خرمایی باشد» (قمی، 1402ق: 1/615). از این تعبیر می‌توان چنین استنباط نمود که اقتصاد همان استفاده بهینه و عکس آن اسراف است. اسراف پدیده‌ای است مذموم حتی در مورد یک کالای بسیار بی‌ارزش و به‌ظاهر غیر قابل اعتنا، به‌طوری که اگر مورد استفاده و کاربرد دیگری داشته و به دور انداخته شود، اسراف است. حضرت علی (ع) ضمن عبارتی کوتاه به بهترین نحو اسراف را تعریف نموده و می‌فرماید: «الا و ان اعطاء المال في غير حقه اسراف و تبذیر»؛ یعنی صرف مال و امکانات در غیر موردی که شایسته آن است اسراف و تبذیر می‌باشد.

یکی از معضلات سیستم اداری که از گذشته مورد توجه کارگزاران حکومتی بوده و اکنون نیز با گسترش تشکیلات اداری به صورت یک امر رایج و غیر قابل اصلاح مبدل شده است، اسراف و تبذیر در هزینه‌های جاری نهادهای حکومتی است. از دیدگاه امام علی (ع) نکته کلیدی و راهکار کاهش این معضلات در کنترل هزینه‌ها حتی در ابعاد بسیار کم است؛ چنانکه می‌فرماید: «کتب علیه السلام الی عمّاله: ادقوا اقلامکم، و قاربوا بین سطورکم، و احذفوا عنی فضولکم، و اقصدوا قصد المعانی، و ایاکم و الاکثار، فان اموال المسلمین لا تحتل الاءضار؛ قلم‌های خود را نازک بتراشید، سطرها را نزدیک به هم بنویسید، عبارات و کلمات زاید را حذف کنید، به معنا و مفهوم توجه داشته باشید و از زیاده‌روی در نوشتن پرهیز نمایید؛ زیرا به اموال مسلمانان نمی‌توان ضرر و زیان وارد ساخت» (ابن بابویه، 1385: 1/47). چنین دقت نظری در صرف هزینه‌های جاری، پاسخگویی مالی و مسئولیت دولت را در هزینه کردن درآمدهای مالیاتی و مشابه آن به کارآمدترین و باصرفه‌ترین شکل می‌رساند. مسئله سوءمدیریت در مقیاس وسیعتر باعث فقر یک ملت و جامعه و افزایش فاصله طبقاتی به دلیل نبود الگوی صحیح اقتصادی می‌گردد؛ به طوری که ممکن است انتخاب یک الگوی ناشایست یا یک برنامه بلندمدت نامناسب، علی‌رغم منابع مادی و انسانی کافی، ده‌ها سال یک کشور را وابسته و عقب‌مانده نگه دارد. بر این اساس اسلام بر مدیریت اموال توجه جدی داشته و از تصدی افراد ناشایست به شدت منع می‌نماید: «قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ مِنْ بَقَاءِ الْمُسْلِمِينَ وَ بَقَاءِ الْإِسْلَامِ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ عِنْدَ مَنْ يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَ يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ فَإِنَّ مِنْ فَنَاءِ الْإِسْلَامِ وَ فَنَاءِ الْمُسْلِمِينَ أَنْ تَصِيرَ الْأَمْوَالُ فِي أَيْدِي مَنْ لَا يَعْرِفُ فِيهَا الْحَقَّ وَ لَا يَصْنَعُ فِيهَا الْمَعْرُوفَ؛ امام صادق (ع) فرمود: از جمله عوامل بقای مسلمین و اسلام آن است که اموال در دست کسانی قرار گیرد که حق (راه صحیح استفاده و مصرف) را بشناسند و آنها را برای کارهای نیک و سودمند به مصرف برسانند و

از اسباب نابودی اسلام و مسلمانان آن است که اموال در دست کسانی باشد که راه درست مصرف آنها را ندانند و آنها را در راه‌های نیک و سودمند به مصرف نرسانند» (کلینی، 1375: 25 / 4).

این روش در برنامه حکومتی امیرالمؤمنین (ع) بیش از آنکه حالت شعار یا راهنمایی داشته باشد به‌عنوان یک راهکار عملی برای مبارزه با تضييع حقوق دیگران به‌کار گرفته می‌شد. در این زمینه نمونه‌های فراوانی از نامه‌هایی که حضرت (ع) خطاب به کارگزاران خود مرقوم فرموده‌اند وجود دارد؛ برای مثال، در نامه 41 نهج البلاغه، خطاب به پسرعموی خود می‌نویسد: «فَأَنْتَ كُنْتَ أَشْرَكْتُكَ فِي أَمَاتِي، وَ جَعَلْتُكَ شِعَارِي وَ بَطَانَتِي ... فَأَتَقِ اللَّهَ وَارْدُدْ إِلَى "هُؤُلَاءِ" الْقَوْمِ أَمْوَالَهُمْ، فَإِنَّكَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ تُنَمِّ أَمْكَنِي اللَّهُ مِنْكَ لِأَعْزِرَنَّ إِلَى اللّهِفِيكَ، وَ لِأَضْرِبَنَّكَ بِسَيْفِي الَّذِي مَا ضَرَبْتُ بِهِ أَحَدًا إِلَّا دَخَلَ النَّارَ؛ تو را در امانت خود شرکت دادم و محرم کارهای خویش گردانیدم ... ولی همین که دیدی وضع زمانه تغییر کرد تو نیز از فرصت استفاده کردی و از بیت‌المال برای خود تصرف نمودی. پس از خدا بترس و اموال قوم و ملت را به ایشان بازگردان و اگر چنین نکنی و خداوند مرا یاری رساند، با همان شمشیری که به هرکس زده‌ام راه جهنم را پیش گرفته است، آن را بر فر تو نیز فرود خواهم آورد».

3-3 به‌کارگیری اقتصادی‌ترین مسئولان و کارگزاران

بهترین کارگزاران و مسئولین بخش‌های مختلف از لحاظ کارایی، پرهزینه‌ترین و صاحب‌نام‌ترین آنها نیست. در بخش‌های مختلف مدیریتی، همواره افراد جوان و مستعدی هستند که با دریافت حقوق متعارف و صرف هزینه‌های معقول، امور را به بهترین شکل می‌توانند به انجام برسانند. در حالی که یکی از آفات بزرگ در اقتصاد کشور اختصاص مبالغ هنگفتی از هزینه‌های جاری دستگاه‌های دولتی به مدیران صاحب‌نامی است که حتی در مواردی، کارایی آنها یا سلامت اداریشان در خصوص مسائل مالی مورد تردید است. حضرت (ع) در این باره می‌فرماید: «مَنْ لَمْ يُعَاوَنْ ظَالِمًا عَلَى ظُلْمِهِ، وَ لَا آثِمًا عَلَى إِثْمِهِ. أَوْلَيْكَ أَخْفُ عَلَيْكَ»

مَوْوَنَةً، وَ أَحْسَنُ لَكَ مَعُونَةً، وَ أَحْنَى عَلَيْكَ عَطْفًا، وَ أَقْلُ لِعَيْبِكَ إِفْلًا فَاتَّخِذْ أَوْلِيكَ خَاصَّةً لِيَخْلُوا بِكَ وَ حَفَلَاتِكَ. ثُمَّ لِيَكُنْ أَثْرُهُمْ عِنْدَكَ أَقْوَلُهُمْ بِمُرِّ الْحَقِّ لَكَ، وَ أَقْلَهُمْ مُسَاعَدَةً فِيمَا يَكُونُ مِنْكَ مِمَّا كَرِهَ اللَّهُ لِأَوْلِيَائِهِ، وَاقِعًا ذَلِكَ مِنْ هَوَاكَ حَيْثُ وَقَعَ؛ وَ تُوْ جَانَشِينِي بَهْتَرُ مِنْ أَيشَانِ خَوَاصِي يَافْتِ كِه صَاحِبِ رَأْيِ وَ كَارْدَانِ اسْتِ وَ بَارِ سَنَغِينِ گَنَاهَانِ أَنَانِ (مَشَاوِرَانِ حُكُومْتِهَائِي ظَالِمِ) هَمِ بَرِ اُو نِيَسْتِ، اَزِ كَسَانِي كِه اَهْلِ سَتَمِ رَا دَرِ سَتْمَكَارِي وَ گَنَاهَكَارَانِ رَا دَرِ گَنَاهَشَانِ يَارِي نَكْرَدِه اسْتِ. هَزِينِه اَيْنَانِ بَرِ تُو سَبَكْتَرِ وَ هَمَكَارِيَشَانِ بَهْتَرِ، وَ نَسَبْتِ بِه تُو دَرِ طَرِيْقِ عَطُوفْتِ مَآيِلِ تَرِ وَ الْفَتَشَانِ بَا بِيگَانِه كَمْتَرِ اسْتِ. اَيْنَانِ رَا اَزِ خَاصَانِ خُودِ دَرِ خَلُوتِهَائِي وَ مَجَالِسِ خُويِشِ قَرَارِ دِه وَ نِيَزِ بَايِدِ اَزِ وَزْرَايْتِ بَرِ گَزِيْدِه تَرِيْنَشَانِ نَزْدِ تُو وَزِيْرِي بَاشَدِ كِه سَخْنِ تَلَخِ حَقِّ رَا بِه تُو بِيَشْتَرِ بَگُويِدِ، وَ نَسَبْتِ بِه اَنچِه كِه خُداوَنْدِ بَرَايِ اَوْلِيَايْتِشِ خُوشِ نَدَارِدِ، كَمْتَرِ تُو رَا يَارِي دِهْدِ، گَرچِه اَيْنِ بَرْنَامِه بَرِ عَلِيَه مِيْلِ تُو بِه هَرِ جَا كِه خُواَهْدِ بَرَسْدِ» (نَهجِ الْبَلَاغِه، نَامِه 53).

اَزِ اَيْنِ تَعْبِيْرِ بِه خُوبِي اسْتِفَادِه مِي شُودِ حَتِي كَسَانِي كِه يَكِ نَقْطِه سِيَاَه دَرِ پَرُوْنْدِه پِيَشِيْنِ اَنهَائِي وَجُودِ دَارِدِ نَبَايِدِ بَرَايِ كَارِهَائِي مَهْمِ بَرِگَزِيْدِه شُونْدِ، بَلَكِه لَازِمِ اسْتِ حَسَنِ سَابِقِه اَنهَائِي بَرِ هَمَكَانِ رُوشِنِ بَاشَدِ (مَكْرَمِ شِيْرَازِي، 1386: 10 / 427).

بَا اَيْنَكِه مَسْئُولِيْنِ حُكُومْتِي اَمَكَانِ اسْتِفَادِه اَزِ نَعْمْتِهَائِي فَرَاوَانِ رَا دَارَنْدِ، اَمَا بَرَايِ رِضَا خُدا وَ نِيَزِ كَاَهَشِ فِشَارِ اَزِ گَرُوهِهَائِي ضَعِيْفِ جَامِعِه، بَايِدِ اَزِ اَنِ صَرَفِ نَظَرِ كَنْنَدِ تَا زَنْدَگِي خُودِ رَا بَا فُقْرَا وَ مَحْرُومِيْنِ دَرِ يَكِ سَطْحِ قَرَارِ دِهَنْدِ: «إِنَّ اللَّهَ تَعَالَى فَرَضَ عَلَى أَيْمَّةِ الْعَدْلِ أَنْ يَقْدَرُوا أَنْفُسَهُمْ بِضَعْفَةِ النَّاسِ، كَيْلَا يَتَّبِعَ بِالْفَقِيرِ فَقْرُهُ؛ خُداوَنْدِ بَرِ پِيَشُوَايَانِ حَقِّ وَاجِبِ كَرْدِه اسْتِ كِه وَضْعِ زَنْدَگِي خُودِ رَا بَا مَرْدَمِ تَنْگِدَسْتِ دَرِ يَكِ سَطْحِ قَرَارِ دِهَنْدِ تَا تَنْگِدَسْتِي فِشَارِي بَرِ فُقْرَا وَارِدِ نَكَنْدِ» (نَهجِ الْبَلَاغِه، خُطْبِه 209).

هَمچُنِيْنِ مَتَصَدِيَانِ اَمُورِ حُكُومْتِي نَبَايِدِ دَرِ طُولِ تَصَدِيِ اَمُورِ بَرَايِ خُودِ اَمُوالِيِ ذَخِيْرِه كَنْنَدِ؛ چنانكِه اَمَامِ (ع) مِي فَرْمَايِدِ: «مَنْ وَارِدِ اَيْنِ شَهْرِ شُدْمِ وَ بَرَايِ قَبْضِه كَرْدَنْ اَمُورِ

حکومت، لباسی بر تن داشتم و بر مرکبی سوار بودم؛ همین مرکب که اکنون زیر پای من است و لباسی که اکنون در بردارم و آن اندازه از اثاثی که مسافری به همراه دارد. اگر بعد از چند سال حکومت، از این شهر بیرون روم و چیزی بیش از این همراه داشته باشم بدانید که من نسبت به شما خیانت کرده‌ام» (مجلسی، 1403ق: 325/40). فلسفه سلوک ساده-زیستانه، آزادی از اشرافیت به منظور خدمت هر چه بهتر است؛ همراهی و همدردی با مردم ناتوان و درک ملموس زندگی آنان، در جهت تلاش برای بر پا کردن عدالت و رفاه برای ایشان و باز داشتن توانگران از سرکشی و طغیان است.

مدیریت مالی و کلام امیر المؤمنین (ع) در این خصوص

در مدیریت مالی یک فعالیت اقتصادی، تصمیمات مختلفی پیرامون چگونگی بهره‌برداری از منابع مالی، اعم از دارایی‌های داخلی و خارجی، کنترل جریان نقدینگی و استراتژی‌های مرتبط با سرمایه‌گذاری اتخاذ می‌گردد. به طور کلی می‌توان گفت محدوده مدیریت مالی مربوط به تأمین، تخصیص و کنترل منابع مالی است؛ بر این اساس، اهداف آن را بر اساس اصول مدیریتی و نیز کلام امام (ع) می‌توان چنین برشمرد:

اصولی که می‌توان در هر برنامه‌ریزی مالی، بیش از پیش مورد تأکید قرار داد:	مثالهایی از نهج البلاغه که به این اصول اشاره دارند:
1- اطمینان از ایمنی در سرمایه‌گذاری با توجه به نرخ بازگشت مناسب سرمایه	«و لا یثقلنَّ علیک شیءٌ حَفَقَتْ عَنْهُمْ بهِ الْمُؤُونَةُ عَنْهُمْ؛ فَإِنَّهُ ذُخْرٌ یَعُودُونَ بهِ عَلَیْکَ فِی عِمَارَةِ بِلَادِکَ وَ تَرْبِیْنِ وِلاَیْتِکَ؛ هرگز تخفیف دادن در خراج، تو را نگران نسازد؛ زیرا آن، اندوخته‌ای است که در آبادانی شهرهای تو و آراستن ولایت‌های تو نقش دارد» (نامه 53)

<p>«وَكُلُّ فَاغْرٍ إِلَى اللَّهِ فِي تَأْدِيَةِ حَقِّهِ إِلَيْهِ؛ بَايَدُ فِي اِدَائِهِ حَقَّ فَرْدِي اَز اَنَانِ فِي پِيَشگاهِ خِدا عِذْر و دَلِيلِ دَاشْتِه باشِي بِه گونِه اِي كِه حَتِّي حَقِّ يَكِ فَرْدِ هِم ضَايِع نَشود» (همانجا).</p> <p>«حَسَنُ التَّدْبِيرِ يَنْمِي قَلِيلَ الْمَالِ وَ سُوءُ التَّدْبِيرِ يَنْفِي كَثِيرَهُ؛ بِرنامِه ريزِي دَرستِ باعْثِ بَرَكْتِ مالِ كَم و تَدبِيرِ نادرستِ مالِ زيادِ را هِم اَز بِيِنِ مِي بَرَد» (آمدی، 1366: 387).</p> <p>«بَلغِي اَنَّكَ جَرَدْتَ الْاَرْضَ فَأَخَذْتَ ما تَحْتِ قَدَمَيْكَ وَ أَكَلْتَ ما تَحْتِ يَدَيْكَ! فَارْفَعْ إِلَيَّ حِسابَكَ! وَ اعْلَمْ أَنَّ حِسابَ اللَّهِ اَعْظَمُ مِنْ حِسابِ النَّاسِ؛ بِه مِنْ خَبَرِ رَسِيدِه كِه كِشتِ زَمِينِها را بَر دَاشْتِه وَ اَنچِه را كِه مِي تَوانسْتِي، گِرْفْتِه وَ اَنچِه دَر اِختيارِ دَاشْتِي، بِه خِيانتِ خورده اِي! پَس هِرچِه زودتر، حِسابِ اموالْتِ را بَرايِ مِنْ بفرست! وَ بَدانِ كِه حِسابرسيِ خِداوند، اَز حِسابرسيِ مَرْدَم، سَخْت تر اسْت.</p> <p>«فانَّ اموالِ الْمُسْلِمِينَ لا تَحْتَمِلُ الاضْرارَ؛ بِه اموالِ مَسلمانانِ نَمي تَوانِ ضَرر و زيانِ وارِد كَرْد» (حرِ عاملي، 1414ق: 404/17).</p>	<p>2- دقت در تخصیص بودجه و ریز هزینه‌ها: بر اساس کلام امام (ع) مدیریت مالی در سطح ملی عبارت است از اطمینان از برگشت منافع تخصیص منابع به افراد ذی‌نفع جامعه در بلندمدت</p> <p>3- مدیریت و کنترل منابع مالی یا اطمینان از استفاده بهینه منابع مالی: پس از تأمین و تخصیص بودجه، باید نظارت کافی بر چگونگی هزینه آن و بهره‌وری بودجه تخصیصی صورت گیرد. مدیر مالی نه تنها باید اقدام به برنامه‌ریزی، تهیه و استفاده از وجوه نماید، بلکه باید بر کنترل امور مالی نیز متمرکز باشد. این موضوع را می‌توان با استفاده از تکنیک‌های بسیاری نظیر تجزیه و تحلیل نسبت، پیش‌بینی مالی، کنترل هزینه و سود و ... انجام داد.</p>
---	---

با مطالعه سیره حکومتی امام علی (ع) در خصوص روش‌های مدیریت اقتصادی، این نکته مشخص می‌شود که یکی از بهترین منابع در جهت ساماندهی و مدیریت برنامه‌های اقتصادی در کوتاه‌مدت و بلندمدت، بهره‌گیری از روش‌های اجرایی و به‌کارگیری اهداف متعالی ایشان می‌باشد. هر چند در دوره حکومت امام (ع)، مسائل اقتصادی و به‌ویژه مسائل

حوزه تأمین مالی به گستردگی حال حاضر نبود، ولی هیچ دلیلی وجود ندارد که روش امام (ع) در دوره‌های مختلف تنها از منظر توصیه‌های اخلاقی، مورد اهتمام قرار گیرد.

نتیجه گیری

با بررسی کلام و سیره امام (ع)، می‌توان نتیجه گرفت که اصلی‌ترین برنامه‌های ایشان در خصوص رفاه عمومی و اجتماعی، تسهیل فعالیت‌های مولد ثروت، مبارزه با آسیب‌های اقتصادی، شفافیت در هزینه‌ها و حقوق، پرهیز از هزینه‌های غیرضروری و بسترسازی در جهت مشارکت عمومی است که هیچ اقتصاد پویا و سالمی از پرداختن به آنها بی‌نیاز نیست. هر یک از بخش‌های نهج البلاغه که تحت عنوان اخلاق کارگزاران یا عدالت اقتصادی توسط محققین شرح و بسط داده شده است، همان بخش‌ها از لحاظ مدیریت منابع مالی و نیز منابع انسانی، مطالب فراوانی برای بهره‌گیری و اجرا دارد. بهره‌گیری از این اصول در حالی بیشتر ضرورت می‌یابد که مشکلاتی که در سطح فردی و کلان جوامع امروزی دیده می‌شود بیش از آنکه معلول کمبود منابع مختلف باشد، به‌نوعی ریشه در نوع مدیریت منابع و امکانات دارد. هر یک از گروه‌های اجتماعی سهمی معین از درآمدهای بیت‌المال دارند و تخصیص بهینه و مدیریت مالی با تمام گستردگی نیازهای طبقات مختلف جامعه و فعالیت‌ها و طرح‌های اقتصادی (عمران و آبادی) قابل انجام است. نظارت صحیح و بازرسی مستمر و جلوگیری از سوءاستفاده‌های مالی در هر سطح ریز و درشتی به همراه حذف هزینه‌های جاری غیرضرور، از جمله راهکارهای عملی مستند به سیره امام علی (ع) می‌باشد. علاوه بر این، فعالیت‌های عمرانی و طرح‌های اقتصادی مختلف که نیازمند حمایت‌های حکومتی است با مشارکت بخش‌های مختلف قابل اجراست و همیشه از طریق تأمین اعتبار هنگفت و ورود مستقیم بخش دولتی به تمام طرح‌ها امکان‌پذیر نمی‌باشد.

فهرست منابع

1. آمدی، عبدالواحد بن محمد، غررالحکم و درر الکلم، مکتب الاعلام الاسلامی، 1366.
2. آیتی، عبدالمحمد، ترجمه نهج البلاغه، تهران: دفتر نشر فرهنگ اسلامی، 1378.
3. ابن اثیر، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، بیروت: المکتبه العلمیه، 1399ق.
4. ابن بابویه، محمد بن علی، الخصال، تهران: اندیشه هادی، 1385.
5. امینی نجفی، عبدالحسین؛ بهبودی، محمدباقر، ترجمه الغدیر، تهران: بنیاد بعثت، 1354.
6. بروجردی، سیدحسین، جامع احادیث الشیعہ فی احکام الشریعہ، تهران: مطبعه المساحه، 1380ق.
7. بلاذری، احمد بن یحیی، انساب الاشراف، بیروت: دار الفکر، 1417ق.
8. حر عاملی، محمد بن الحسن، وسائل الشیعہ، قم: مؤسسۀ آل البيت علیهم السلام، 1414ق.
9. حکیمی، محمدرضا، الحیات، قم: دلیل ما، 1387.
10. دشتی، محمد، ترجمه و شرح نهج البلاغه، تهران: فهرست، 1385.
11. صدر، سید محمدباقر، اقتصادنا، قم: بوستان کتاب، 1429ق.
12. کلینی، ابی جعفر محمد ابن یعقوب، اصول کافی، تهران: ولی عصر، 1375.
13. قمی، عباس، سفینه البحار و مدینه الحکم و الاثار مع تطبیق النصوص الوارده فیها علی بحار الانوار، تهران: فراهانی، 1402ق.
14. مجلسی، محمد باقر، بحار الانوار، بیروت: دار احیاء التراث العربی، 1403ق.
15. محمدی ری شهری، محمد، سیاست نامه امام علی(ع)، دارالحدیث، 1382.
16. مکارم شیرازی، ناصر، پیام امام امیر المومنین علیه السلام، تهران: دارالکتب الاسلامیه، 1386.

17. نجف‌پور، شعبان، «اخلاق در رسانه؛ چالش‌های اساسی و توصیه‌های ملی»، *اخلاق در علوم و فناوری*، س 2، ش 9، 1393.
18. یوسفی، احمدعلی، «روش‌های استنباط نظام اقتصادی اسلام»، *کاوشی نو در فقه اسلامی*، ش 33 و 34، 1381.

منبع انگلیسی

1. Rajabi, A. (۲۰۱۱): *Methods of Citizen Participation in the Urban Development Process*, Geographical Quarterly of Environment logistics, No. ۱۲ (in Persian).